فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴

بررسی و تحلیل ژانر وحشت در سینما و تاثیر آن بر کودکان و نوجوانان: با تاکید بر فیلم های اسلشر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
کد مقاله: ۶۳۵۶۲

امیرعلی قربانی توسنلو *[۱]، غلامرضا آذری [۲]

چکـیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فیلم‌های اسلشر بر مسائل روحی–روانی کودکان و نوجوانان و مقایسه واکنش‌های روانی آنان بر اساس سن و جنسیت انجام شد. این مطالعه توصیفی–تحلیلی با نمونه‌ای شامل ۲۷۰ نفر (٪۸۳ دختر و ٪۱۷ پسر) در دامنه سنی ۷ تا ۱۸ سال به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه استاندارد انجام شد. داده‌ها با مدل‌های رگرسیونی تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین میزان تماشای فیلم‌های اسلشر و بروز مشکلات روانی (اضطراب، ترس، اختلال خواب) رابطه مثبت معنادار وجود دارد (ضریب: ۰,۷۹) همچنین، نوجوانان (۱۳–۱۸ سال) نسبت به کودکان (۷–۱۲ سال) واکنش‌های شدیدتری نشان دادند (ضریب: ۰,۷۳) . در نتیجه تماشای فیلم‌های اسلشر تأثیر منفی بر سلامت روان کودکان و نوجوانان دارد و این تأثیر با افزایش سن و در دختران بارزتر است. نظارت والدین و سیاست‌گذاری برای محدودیت سنی پیشنهاد می‌شود.

واژگـان کلـیدی: فیلم‌های اسلشر، سلامت روان، کودکان و نوجوانان، اضطراب، خشونت رسانه‌ای

۱- ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم انسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدتهران شمال(نویسنده مسئول)، تهران، ایران
۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، با گسترش دسترسی کودکان و نوجوانان به محتوای رسانه‌ای، نگرانی‌ها درباره تأثیرات منفی برخی ژانرهای فیلم به‌ویژه ژانر وحشت افزایش یافته است (یاسری و همکاران، ۱۴۰۴). تحقیقات نشان می‌دهند که مواجهه زودهنگام با محتوای ترسناک می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی قابل‌توجهی داشته باشد، از جمله افزایش اضطراب، اختلالات خواب و حتی تظاهرات جسمانی مانند تپش قلب (سلطانا و همکاران، ۲۰۲۱). این تأثیرات در کودکان و نوجوانان که در مرحله حساس رشد شناختی و عاطفی قرار دارند، می‌تواند عمیق‌تر و ماندگارتر باشد (نوروزی، ۱۳۸۷). مطالعات بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارند که فیلم‌های ترسناک، به‌ویژه زیرژانر اسلشر، با استفاده از عناصر خشونت‌آمیز و ترس‌های اولیه انسانی، می‌توانند تأثیرات عمیقی بر مخاطبان جوان بگذارند (ورلند، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این تأثیرات می‌تواند بسته به عوامل فردی مانند سن، جنسیت و ویژگی های شخصیتی متفاوت باشد (مارتین، ۲۰۱۹). برای مثال، نوجوانان ممکن است واکنش‌های شدیدتری نسبت به کودکان نشان دهند، چرا که درک پیچیده‌تری از محتوای خشونت‌آمیز دارند (گیل، ۲۰۰۲). با وجود حجم قابل‌توجه تحقیقات در این حوزه، همچنان نیاز به مطالعاتی که به‌طور خاص به بررسی تأثیرات فیلم‌های اسلشر بر کودکان و نوجوانان در بافت فرهنگی ایران بپردازند، احساس می‌شود. بسیاری از پژوهش‌های موجود یا بر ادبیات ترسناک متمرکز بوده‌اند (نادری، ۱۴۰۰) یا در فرهنگ‌های دیگر انجام شده‌اند (کلاسن و پلاتس، ۲۰۱۹). این در حالی است که عوامل فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در نحوه درک و پردازش محتوای ترسناک ایفا کنند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی و ارائه درکی عمیق‌تر از تأثیرات روان‌شناختی فیلم‌های اسلشر بر کودکان و نوجوانان ایرانی طراحی شده است.

۲- بیان مسئله

سینمای هالیوود در دنیای امروز که دسترسی به محتوای رسانه‌ای به شدت افزایش یافته است، نگرانی‌های جدی درباره تأثیرات منفی برخی ژانرهای سینمایی به ویژه ژانر وحشت بر سلامت روانی کودکان و نوجوانان مطرح شده است (یاسری و همکاران، ۱۴۰۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مواجهه مکرر با تصاویر خشونت‌بار و ترسناک در فیلم‌های اسلشر می‌تواند پیامدهای روانی قابل توجهی داشته باشد، از جمله افزایش سطح اضطراب، اختلالات خواب و حتی بروز رفتارهای پرخاشگرانه (سلطانا و همکاران، ۲۰۲۱). مسئله اصلی این است که کودکان و نوجوانان در مرحله حساسی از رشد شناختی و عاطفی قرار دارند و ممکن است نتوانند به درستی بین واقعیت و تصاویر خیالی تمایز قائل شوند (نوروزی، ۱۳۸۷). این موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از فیلم‌های اسلشر با نمایش خشونت‌های افراطی و صحنه‌های خونین، می‌توانند ترس‌های پایدار و حتی اختلالات استرس پس از سانحه را در این گروه سنی ایجاد کنند (ورلند، ۲۰۲۴). مطالعات نشان داده‌اند که این تأثیرات در برخی موارد تا بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد. یکی از جنبه‌های نگران‌کننده این مسئله، محبوبیت روزافزون این ژانر در میان نوجوانان است (گیل، ۲۰۰۲). بسیاری از نوجوانان به دلیل نیاز به هیجان و پذیرفته شدن در گروه همسالان، به تماشای این قبیل فیلم‌ها روی می‌آورند، بدون آنکه از تأثیرات بلندمدت آن بر سلامت روان خود آگاه باشند (مارتین، ۲۰۱۹) این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد تأثیرات منفی این فیلم‌ها بر نوجوانان می‌تواند بسیار عمیق‌تر از آنچه تصور می‌شود باشد. از سوی دیگر، تفاوت‌های فردی در واکنش به این محتواها نیز مسئله‌ساز است. برخی کودکان و نوجوانان ممکن است به ظاهر هیچ واکنش فوری نشان ندهند، اما این محتواها به صورت ناخودآگاه بر ذهن آنان تأثیر بگذارد (کلاسن و پلاتس، ۲۰۱۹). این در حالی است که برخی دیگر ممکن است واکنش‌های شدید و فوری مانند کابوس‌های شبانه یا ترس از تنها ماندن را تجربه کنند (نادری، ۱۴۰۰). این تفاوت‌های فردی، پیش‌بینی و مدیریت تأثیرات این فیلم‌ها را دشوار می‌سازد. نکته حائز اهمیت دیگر، کمبود تحقیقات بومی در این زمینه است. بیشتر مطالعات انجام شده در این حوزه یا در کشورهای غربی صورت گرفته یا بر محتوای ادبی متمرکز بوده‌اند (یاسری و همکاران، ۱۴۰۴). این در حالی است که عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر نحوه دریافت و پردازش این محتواها داشته باشند. بنابراین، نیاز به تحقیقاتی که به طور خاص به بررسی این مسئله در بافت فرهنگی ایران بپردازند، به شدت احساس می‌شود.

علاوه بر این، نقش نظارت والدین و مربیان در این زمینه بسیار کمرنگ شده است. در عصر دیجیتال که کودکان و نوجوانان به راحتی می‌توانند به این محتواها دسترسی پیدا کنند، بسیاری از والدین از میزان و نوع محتوای مصرفی فرزندان خود بی‌اطلاع هستند (سلطانا و همکاران، ۲۰۲۱). این موضوع لزوم آموزش والدین و افزایش آگاهی‌های اجتماعی در این زمینه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. مسئله مهم دیگر، تأثیر این فیلم‌ها بر شکل‌گیری هویت و ارزش‌های نوجوانان است. فیلم‌های اسلشر با نمایش خشونت به عنوان راه‌حلی برای مشکلات و ارائه تصاویر کلیشه‌ای از روابط انسانی، می‌توانند در شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای نادرست در نوجوانان تأثیر بگذارند (گیل، ۲۰۰۲). این موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم نوجوانان در مرحله‌ای از رشد هستند که به شدت تحت تأثیر الگوها و مدل‌های رفتاری قرار دارند. در نهایت، با توجه به گسترش روزافزون صنعت سینما و تولید

انبوه فیلم‌های ترسناک، و همچنین سهولت دسترسی کودکان و نوجوانان به این محتواها، لزوم انجام تحقیقات جامع در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود (ورلند، ۲۰۲۴). چنین تحقیقاتی می‌توانند مبنای علمی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی های آموزشی و راهنمایی والدین و مربیان فراهم آورند و از تأثیرات منفی این محتواها بر سلامت روانی نسل آینده بکاهند.

۳- ادبیات مفهومی

ژانر وحشت: شاخه‌ای هنری در ادبیات، فیلم و سایر رسانه‌ها است که هدف اصلی آن برانگیختن حس ترس، شوک، انزجار و اضطراب در مخاطب است. این ژانر از طریق مضامین، فضاسازی، و موقعیت‌های ترسناک، به بزرگ‌ترین ترس‌های مخاطب می پردازد و تجربه‌ای هیجان‌انگیز و گاهی آزاردهنده ایجاد می‌کند(قربانی توسنلو و آذری،۱۴۰۴)

سبک اسلشر: زیرمجموعه‌ای از ژانر فیلم ترسناک است که در آن یک قاتل سریالی با استفاده از ابزار تیغه‌دار (مانند چاقو، اره، یا تبر) قربانیان بی‌گناه را به صورت فجیع و خشونت‌آمیز به قتل می‌رساند و معمولاً داستان حول محور تعقیب و گریز قربانیان توسط قاتل در محیط‌های ترسناک و در نهایت رویارویی آخرین بازمانده با قاتل می‌چرخد.

۴- اهمیت پژوهش

سینمای هالیوود به طور کل نوشته نشده است اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از چند جنبه قابل بررسی است. نخست آنکه با توجه به افزایش روزافزون تولید و مصرف فیلم‌های ژانر وحشت در جامعه، به‌ویژه در میان نوجوانان، بررسی علمی تأثیرات این محتواها بر سلامت روانی این گروه سنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (یاسری و همکاران، ۱۴۰۴). مطالعات نشان می‌دهند که حدود ۶۸ درصد از نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله حداقل ماهی یک بار فیلم ترسناک تماشا می‌کنند، این در حالی است که تنها ۲۳ درصد از والدین از این موضوع اطلاع دقیق دارند (سلطانا و همکاران، ۲۰۲۱).

منظر روانشناسی رشد: این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که کودکان و نوجوانان در مرحله حساسی از شکل‌گیری شخصیت و هویت قرار دارند و مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز می‌تواند تأثیرات ماندگاری بر رشد عاطفی و اجتماعی آنان بگذارد (نوروزی، ۱۳۸۷). نتایج این پژوهش می‌تواند به والدین، مربیان و درمانگران در درک بهتر این تأثیرات و اتخاذ راهکارهای مناسب کمک کند.

جنبه علمی: این مطالعه به پر کردن خلأهای پژوهشی موجود در این حوزه کمک می‌کند. با وجود مطالعات متعدد در کشورهای دیگر درباره تأثیرات فیلم‌های ترسناک (ورلند، ۲۰۲۴؛ مارتین، ۲۰۱۹)، تحقیقات بومی در این زمینه در ایران بسیار محدود بوده است. این پژوهش با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، می‌تواند داده‌های ارزشمندی برای محققان فراهم آورد.

دیدگاه اجتماعی: یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنای علمی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای قرار گیرد. تعیین رده‌بندی سنی مناسب برای فیلم‌های ژانر وحشت، تدوین برنامه‌های آموزشی برای والدین و معلمان، و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مؤثر از جمله کاربردهای عملی این پژوهش محسوب می‌شوند (گیل، ۲۰۰۲).

منظر اقتصادی: نتایج این مطالعه می‌تواند برای تولیدکنندگان محتوای سینمایی و رسانه‌ای سودمند باشد. شناخت بهتر تأثیرات محتوای ترسناک بر مخاطبان جوان می‌تواند به ساخت فیلم‌هایی با درجه خشونت متناسب با سن مخاطب بینجامد که هم جذابیت داشته باشند و هم کمترین آسیب‌های روانی را ایجاد کنند (کلاسن و پلاتس، ۲۰۱۹).

در بعد پیشگیری و سلامت روان: این پژوهش می‌تواند به شناسایی گروه‌های پرخطر کمک کند. با تشخیص کودکانی که بیشتر در معرض تأثیرات منفی این فیلم‌ها قرار دارند، می‌توان برنامه‌های مداخله‌ای به موقع را طراحی و اجرا کرد (نادری، ۱۴۰۰). این موضوع به ویژه در کاهش اختلالات اضطرابی و مشکلات خواب در کودکان و نوجوانان مؤثر خواهد بود. در نهایت، این مطالعه از آن جهت ضرورت دارد که می‌تواند چارچوبی برای تحقیقات آتی در این حوزه فراهم آورد. طراحی ابزارهای سنجش تأثیرات فیلم‌های ترسناک، بررسی تأثیرات بلندمدت، و مطالعه تطبیقی بین فرهنگ‌های مختلف از جمله زمینه‌هایی هستند که می توانند بر اساس یافته‌های این پژوهش توسعه یابند (یاسری و همکاران، ۱۴۰۴).

۴-۱-همه چیز درمورد سبک اسلشر

اسلشر یه زیرمجموعه از ژانر وحشت محسوب میشود که تمرکز اصلیش روی یک قاتل سریالی هست که به طور معمول، شخصیت‌های جوان و اغلب بی‌گناه رو به شکل‌های مختلف و وحشیانه‌ای به قتل میرساند. این قاتل معمولاً با یه سلاح سرد، مثل چاقو، تبر، یا اره دست‌به‌کار می‌شود و قربانی‌هاش هم یا تصادفی انتخاب می‌شن یا بر اساس یه نقشه انتقام‌جویانه. تو بیشتر فیلم‌های اسلشر، شخصیت‌های اصلی معمولاً یه سری نوجوان یا جوان هستن که به دلایل مختلف (مثلاً رفتن به یه اردوگاه یا

جشن تولد) دور هم جمع شدن. قاتل یکی‌یکی سراغشون می‌رود و اونا هم معمولاً خیلی دست‌پاچه و بدون برنامه سعی می‌کنن از دستش فرار کنن. اما همیشه یکی از این شخصیت‌ها هست که زنده می‌مونه و با قاتل توی آخرین لحظه مقابله می‌کند. این شخصیت رو «آخرین بازمانده» می‌نامند.

۴-۲-تاریخچه ژانر اسلشر

ژانر اسلشر هم مثل خیلی از ژانرهای دیگه، یه تاریخچه جالب و پر پیچ‌وخم دارد. شاید به نظر بیاد که این سبک فیلم‌ها محصول دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی هستند، اما واقعیت این است که ریشه‌های این ژانر خیلی عمیق‌تر از این حرفاست. برای اینکه بهتر بفهمیم اسلشر از کجا اومده، باید برویم سراغ فیلم‌های قدیمی‌تر. یکی از اولین فیلم‌هایی که به نوعی پایه‌گذار این ژانر محسوب می‌شود، فیلم (روانی[1]) اثر آلفرد هیچکاک که در سال ۱۹۶۰ ساخته شد. این فیلم به نوعی آغازگر استفاده از قاتل سریالی و قتل‌های وحشیانه توی سینما بود. توی(روانی) ، با نورمن بیتس مواجه می‌شویم که با ظاهری آروم و مهربان، دست به قتل‌هایی وحشیانه می‌زند. بعد از «روانی»، فیلم‌های دیگه‌ای هم اومدن که به نوعی ژانر اسلشر رو گسترش دادن، مثل فیلم (چشم‌چران[2]) که توی همان سال ۱۹۶۰ منتشر شد. اما اون چیزی که ژانر اسلشر رو به اوج خودش رساند و باعث شد که این سبک تبدیل به یه جریان اصلی تو سینمای ترسناک بشود، فیلم‌های دهه ۷۰ و ۸۰ بودن. یکی از مهم‌ترین فیلم‌ها توی این دوره به نام (هالووین[3]) به کارگردانی جان کارپنتر بود. این فیلم با معرفی شخصیت مایکل مایرز، قاتل نقاب‌داری که بی‌رحمانه قربانی‌هاش رو دنبال می‌کرد، مسیر جدیدی رو برای ژانر اسلشر باز کرد. در ادامه، فیلم‌هایی مثل (جمعه سیزدهم[4]) و (کابوس در خیابان الم[5]) هم آمدند و عملاً دهه ۸۰ رو تبدیل به دوران طلایی فیلم‌های اسلشر کردند. شخصیت‌هایی مثل جیسون وورهیس و فردی کروگر تبدیل به نمادهای وحشت توی فرهنگ عامه شدند و تا امروز هم جزو محبوب‌ترین و ترسناک‌ترین قاتل‌های سینمایی هستند.

۴-۳-ویژگی‌های کلیدی فیلم‌های اسلشر

حالا که با تاریخچه و ریشه‌های ژانر اسلشر آشنا شدیم، بیاین ببینیم چه ویژگی‌هایی باعث می‌شه یه فیلم توی دسته‌بندی اسلشر قرار بگیره. چندتا خصوصیت اصلی توی این سبک فیلم‌ها وجود داره که اگه هر کدوم از این‌ها توی یه فیلم باشه، احتمالاً داریم با یه اسلشر روبرو می‌شویم:

- **قاتل نقاب‌دار یا مرموز:** در اکثر فیلم‌های اسلشر، قاتل یه هویت مرموز و ناشناس دارد. این قاتل معمولاً نقاب یا ماسک به صورت دارد و این باعث می‌شود که بیشتر ترسناک و ناشناخته به نظر برسد. مثل مایکل مایرز از «هالووین» یا جیسون از «جمعه سیزدهم».
- **سلاح سرد:** در این فیلم‌ها، قاتل‌ها به جای اسلحه‌های گرم، از سلاح‌های سرد مثل چاقو، تبر، یا اره برقی استفاده می کنند. این موضوع باعث می‌شود که صحنه‌های قتل خیلی خشن‌تر و بی‌رحمانه‌تر به نظر بیایند و احساس نزدیکی بیشتری با قربانی‌ها داشته باشیم.
- **قربانیان نوجوان یا جوان:** معمولاً قربانی‌های قاتل در فیلم‌های اسلشر از بین یه گروه نوجوان یا جوان انتخاب میشوند. این شخصیت‌ها اغلب بی‌خبر از همه‌جا هستن و معمولاً درگیر جشن، مهمونی یا سفرهای دسته‌جمعی میشوند که زمینه‌ساز قتل‌ها میشود.
- **آخرین بازمانده:** تقریباً در همه فیلم‌های اسلشر، یه شخصیت (معمولاً یه دختر) تا آخر فیلم زنده میماند و با قاتل مقابله می‌کند. این شخصیت که بهش می گویند «آخرین بازمانده» معمولاً نسبت به بقیه قربانی‌ها باهوش‌تر ، محتاط‌تر و با شجاعت یا شانس بیشتر توانسته از دست قاتل فرار کند.
- **پیام اخلاقی پنهان:** جالبه است بدانید که خیلی از فیلم‌های اسلشر یه پیام اخلاقی پنهان هم دارند. معمولاً شخصیت‌هایی که رفتارهای غیراخلاقی دارن (مثل استفاده از مواد مخدر یا رابطه‌های نامشروع) اولین قربانی‌ها هستند. در واقع انگار فیلم‌ها دارند به نوعی از دید جامعه اخلاقی قضاوت می‌کنند.

1 Psycho
2 Peeping Tom
3 Halloween
4 Friday the 13th
5 A Nightmare on Elm Street

یکی از دلایل اصلی محبوبیت این ژانر، هیجان و آدرنالینی هست که با خودش میاورد. تماشای یک قاتل که بی‌وقفه به دنبال قربانی‌هایش می‌گردد و دیدن اینکه چه کسی زنده میماند و چه کسی نه، می‌تواند خیلی هیجان‌انگیز بشود. مردم علاقه دارند خودشان را در شرایط خطر تصور کنند و ببینند که اگر جای شخصیت‌های فیلم بودند، چکار می‌کردند.

از طرف دیگر، فیلم‌های اسلشر یه حس غیرقابل‌پیش‌بینی بودن دارند. ممکن هست هر لحظه یکی از شخصیت‌ها کشته بشود و این تعلیق باعث می‌شود که مخاطب تا آخر فیلم روی صندلی میخکوب شود.

همچنین، ژانر اسلشر معمولاً به یه نوع فرار از واقعیت هم تعبیر می‌شود. در دنیای واقعی، ما با این نوع خطرها و قاتل‌های سریالی به این شکل مواجه نمی‌شویم، اما دیدن یه فیلم اسلشر می‌تواند به نوعی ما را از روزمرگی و استرس‌های روزمره دور کند و یه تجربه ترسناک ولی کنترل‌شده رو برامون فراهم کند.

۵- متغیرهای پژوهش

الف)اصلی

جدول۱- متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	متغیر	تعریف عملیاتی
متغیر وابسته	مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان	میزان اضطراب، ترسهای شبانه، یا اختلالات خواب ناشی از تماشای فیلمهای اسلشر.
متغیر مستقل ۱	میزان تماشای فیلمهای اسلشر	تعداد دفعات تماشای فیلمهای اسلشر در ماه (کمتر از ۱ بار، ۱-۳ بار، بیشتر از ۳ بار).
متغیر مستقل ۲	سن مخاطب	تقسیم بندی سنی کودکان (۷-۱۲ سال) و نوجوانان (۱۳-۱۸ سال).

۶- اهداف پژوهش

الف)اصلی

۱- بررسی تأثیر فیلم‌های اسلشر (ژانر وحشت) بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان.

ب)فرعی

۱- تعیین رابطه بین میزان تماشای فیلم‌های اسلشر و افزایش نشانه‌های اضطراب و ترس در کودکان و نوجوانان.

۲- مقایسه شدت واکنش‌های روحی-روانی (مانند اختلال خواب یا کابوس‌های شبانه) بین دو گروه سنی کودکان (۷-۱۲ سال) و نوجوانان (۱۳-۱۸ سال) پس از تماشای ژانر وحشت

۷- فرضیه های پژوهش

در ادامه فرضیه ها بیان میشود:

۱- بین میزان تماشای فیلمهای اسلشر و بروز مسائل روحی-روانی در کودکان و نوجوانان رابطه مثبت وجود دارد.

۲- نوجوانان (۱۳-۱۸ سال) در مقایسه با کودکان (۷-۱۲ سال) واکنشهای روحی-روانی شدیدتری پس از تماشای فیلمهای اسلشر نشان میدهند.

۸- پیشینه های پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه نشانه‌شناسی سینمای هالیوود، نقد ایدئولوژی‌های رسانه‌ای و بررسی عناصر ضد دینی در فیلم‌های فانتزی و وحشت انجام شده است.

الف) پژوهش های داخلی

یاسری و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر فیلم‌های ژانر ترسناک بر سلامت جسمانی و روانی افراد» به تحلیل تأثیرات فیلم‌های وحشت بر سلامت پرداختند. این مطالعه نشان داد که تماشای مداوم این ژانر می‌تواند منجر به افزایش سطح اضطراب، اختلالات خواب و حتی تظاهرات جسمانی مانند تپش قلب در برخی افراد شود. پژوهشگران با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد به این نتیجه رسیدند که تأثیرات منفی به‌ویژه در گروه‌های سنی پایین‌تر مشهودتر است. همچنین، این تحقیق بر لزوم نظارت والدین بر محتوای مصرفی کودکان تأکید کرد. یافته‌ها حاکی از آن بود که عوامل فردی

مانند سن، جنسیت و پیشینه اضطرابی در شدت واکنش‌ها مؤثرند. این مطالعه به‌عنوان یکی از جدیدترین تحقیقات در این حوزه، خلأهای پژوهشی موجود را مورد توجه قرار داد.

قربانی توسنلو و آذری(۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان « تحلیل بازنمایی فوبیاهای بنیادین در تاریخ بشر: بررسی روانشناختی نمادها در مجموعه فیلم های احضار در ژانر وحشت» در ادامه به مجموعه فیلم‌های "احضار" نه تنها به عنوان یک اثر ترسناک موفق شناخته می‌شود، بلکه به تصویر کشیدن ترس‌ها و فوبیاهای بنیادی انسانی نیز پرداخته است. این پژوهش به بررسی چگونگی نمایش فوبیاهای بنیادین در این مجموعه فیلم‌ها می‌پردازد و تأثیر آن‌ها بر بیننده را تحلیل می‌کند. با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی با رویکرد نشانه شناختی بارت از نوع اکتشافی و تفسیرمحور با به کار گیری از نظریه‌های روان‌شناسی پرداخته شده است. تمرکز اصلی پژوهش بر رمزگشایی از نشانه‌های بصری، گفتاری و روایی است که به‌گونه‌ای نمادین، ترس‌های بنیادین انسان را به تصویر می‌کشند. جامعه مورد مطالعه، تمامی قسمت‌های منتشرشده از این مجموعه است. واحد تحلیل، سکانس‌های سینمایی هستند که حاوی نشانه‌های مرتبط با فوبیاهایی همچون ترس از عروسک، تاریکی، تنهایی، آب، درد، و ترس‌های اساطیری/مذهبی اند. برای گردآوری داده‌ها، فیلم‌ها به‌طور مکرر مشاهده، سکانس‌بندی، و سپس نشانه‌ها یادداشت‌برداری و کدگذاری شده اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه این فوبیاها نه تنها ترس‌های جمعی را نمایان می‌کنند، بلکه می‌توانند تجربه تماشاگران را تحت تأثیر قرار دهند و آن‌ها را به تأمل در مورد ترس‌های شخصی خود دعوت کنند. بدین ترتیب، این پژوهش به درک عمیق‌تری از ارتباط میان ترس، سینما و روان‌شناسی انسان کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هنر می‌تواند آینه‌ای برای بازتاب ترس‌ها و چالش‌های بنیادین زندگی باشد.

ابوالحسنی و همکاران(۱۴۰۳) با پژوهشی به موضوع بررسی جهان بعد از مرگ در سینمای ژانر وحشت از نظر ادیان پرداخته اند. در ادامه به در جست وجوی پاسخ به این پرسش است که معیار دینی ارواح در سینمای ژانر وحشت چیست و چگونه می توان در این ژانر ارتباط معنایی مشترک با موضوع جهان پس از مرگ یافت. در طول تاریخ، بشر همواره در پی یافتن فطرت خود بوده است. گاه راه درست در پیش گرفته و گاه در راه غلط به ادیان غیر الهی تمسک جسته است. مسئله فطری ترس از مرگ و دنیای اسرارآمیز آن دست مایه خوبی برای فیلم سازان این ژانر شده است. در این مقاله با رویکرد کیفی به تحلیل فیلم های شاخص ژانر وحشت با موضوع جهان پس از مرگ پرداخته شده است. شناخت جهان پس از مرگ در ادیان بر اساس مبنای نظری ادوارد تیلور در ادیان غیر توحیدی و کتاب مقدس (انجیل) در دین مسیحیت انجام شده است. سپس به جهان پس از مرگ در سینمای ژانر وحشت پرداخته شده است. در نتیجه بررسی ها، این موضوع به دست آمد که سینمای ژانر وحشت با موضوع جهان پس از مرگ علاوه بر اشارات مستقیم دینی می تواند به طور غیر مستقیم نیز کارکردی دینی داشته باشد از آن جهت که مخاطب ماده گرای عصر جدید را به طور ناخودآگاه معطوف به فطرت خویش می کند.

رحمانی و همکاران(۱۴۰۳) با پژوهشی به موضوع نقش فتوژنی در ایجاد سوسپانس و سوپرایز در انیمیشنهای ژانر وحشت: تحلیل ابعاد بصری، اکسیدنت و ایونت های روانشناختی پرداخته اند. این مقاله به تحلیل و بررسی دقیق نقش فتوژنی در ایجاد تعلیق و وحشت در انیمیشن های ژانر وحشت می پردازد و اهمیت آن را به عنوان یک ابزار بصری استراتژیک در تحریک احساسات مخاطب مورد تاکید قرار می دهد. فتوژنی، که به عنوان یکی از اصول کلیدی سینمای کلاسیک معرفی شد، در این مقاله نه تنها از منظر نظری، بلکه از لحاظ کاربرد عملی در انیمیشنهای ترسناک نیز بررسی می شود. در این تحقیق، فرآیندهای روانشناختی و بصری که فتوژنی در انتقال احساسات همچون اضطراب، وحشت و تنش های روانی به کار می برد، به طور مفصل تحلیل خواهد شد. این مقاله با استفاده از نمونه هایی از انیمیشنهای معروف به بررسی جزئیات تکنیک های فتوژنی پرداخته و تاثیر آن ها بر ساختار روانشناختی و احساسی انیمیشن های وحشت زا را مورد ارزیابی قرار می دهد. در بخش اول مقاله، مفهوم فتوژنی به طور دقیق معرفی و تعریف می شود، و تاریخچه ای از آن ارائه می گردد که به ویژه بر روی تئوری های ژان اپشتاین و تاثیر آن در سینما و انیمیشنهای وحشت تمرکز دارد. این بخش بر نقش فتوژنی در تبدیل تصاویر بصری ساده به تصاویری پیچیده و معنادار تاکید می کند که قادر به ایجاد واکنش های عاطفی شدید در مخاطب هستند. در بخش دوم، عناصر بصری و تکنیکی مانند نورپردازی سایه وار، زوایای غیرمعمول دوربین، فضاهای بصری پرتنش، و استفاده از ترکیب رنگ ها و جزئیات در انیمیشن ها مورد بررسی قرار می گیرد. این تکنیک ها به طور مستقیم به ایجاد فضای تعلیق و اضطراب در مخاطب کمک می کنند و این مفاهیم با استفاده از مثال هایی از انیمیشنهای مذکور توضیح داده می شوند. در ادامه، مقاله به تاثیر فتوژنی بر روانشناسی مخاطب و نحوه ایجاد تجربه های بصری و عاطفی عمیق می پردازد که به ویژه در ژانر وحشت اهمیت دارد. تاثیرات مختلف این تکنیک ها بر رفتار مخاطب، از ایجاد احساس ترس گرفته تا ایجاد نگرانی و هیجان، به طور سیستماتیک بررسی می شود. در این راستا، رابطه میان فتوژنی و عناصر صداگذاری و موسیقی در انیمیشنهای ترسناک نیز تحلیل خواهد شد. استفاده همزمان از موسیقی و صدا با تکنیک های فتوژنی می تواند تاثیر عمیقی بر ساخت تعلیق و تقویت تجربه وحشت بگذارد. در نهایت، این تحقیق با بررسی جامع و مقایسه ای از انیمیشنهای ژانر وحشت، نشان می دهد که فتوژنی، با توجه به ویژگی های خاص خود، می تواند ابزاری قدرتمند برای ساختن فضاهای ترسناک و پیچیده در انیمیشن ها باشد.

زهرا ابراهیمیان(۱۴۰۲) با پژوهشی به موضوع مطالعه ژانر سینمایی وحشت فولکلور با تحلیل دو فیلم «پوست» از ایران و «ساحره» از سینمای آمریکا و انگلستان پرداخته اند. در ادامه به بررسی آثار سینمایی در ژانرهای گوناگون یکی از ابزارهای مطالعات فرهنگی است. با توجه به گوناگونی فرهنگی و گستردگی سینما در سرتاسر جهان، مطالعه آثار سینمایی از نقطه نظر دیدگاه های تازه و جدید می تواند به رهیافت های نویی در زمینه شناخت فرهنگی و تاریخی یک ملت بیانجامد. سینمای وحشت با توجه به خرده ژانرهای خود در این زمینه یکی از منابع مفید و قابل تامل است. یکی از این خرده ژانرها سینمای وحشت فولکلور است که در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته و آثار قابل تاملی در آن ساخته شده است. در این ژانر به خوبی می توان رد هویت فرهنگی و قومی ملتها را دنبال کرد. در فیلم های ژانر وحشت اسطوره ها و داستان های فولکلور تبلور پیدا می کنند و مذهب و ویژگی های اقلیمی در پرورش ایده اصلی فیلمساز بسیار تاثیرگذارند. در سالهای اخیر فیلم های قابل تاملی چه در سینمای جهان و چه در سینمای ایران در این ژانر ساخته شده است. در این تحقیق با استفاده از دو فیلم «پوست» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک از سینمای ایران و فیلم «ساحره» به کارگردانی رابرت اگرز به معرفی و بررسی ژانر وحشت فولکلور می پردازیم. در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوالها هستیم: این ژانر سینمای چه ویژگی های بارزی دارد و در فرهنگ ها و کشورهای گوناگون چگونه بروز پیدا میکند؟ فیلمهای ساخته شده در این جریان هنری نمایش دهنده چه عناصر و المانهای فرهنگی، تاریخی و اسطوره ای هستند؟ چه شباهتها و تفاوتهایی با هم دارند؟ به چه شکل می توان از این عناصر در تحلیل های فرهنگی و حتی اجتماعی جوامع استفاده کرد؟ با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، این ژانر سینمایی پتانسیل بسیاری بالایی برای مطالعات فرهنگی و فولکلور را دارا می باشد و می توان با تحلیل درست و بررسی لایه های عمیق این آثار سینمایی به شناخت جدیدی در زمینه اسطوره ها، مذهب و عقاید و باورهای کهنی که از گذشته و تا به امروز در میان مردمان مناطق دوردست رواج دارند پرداخت. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش تحلیلی و مشاهده آثار سینمایی صورت گرفته است.

ترابی و اسدی(۱۴۰۱) در پژوهشی به موضوع جایگاه قوه واهمه در ادراک فیلم با نگاهی به ژانر وحشت و مکتب هنری اکسپرسیونیسم براساس آرای ابن سینا پرداخته اند. ماهیت اصلی فیلم، تصویر متحرک است و وجه بصری آن اهمیت فراوان دارد؛ اما ذهن انسان نیز دارای نقشی مهم در خلق و ادراک فیلم است و از این جهت، برخی نظریه پردازان، سینما را هنر ذهن نامیده اند. فیلم با برانگیختن احساسات و عواطف مخاطب، او را جذب و با ذهنش ارتباط برقرار می کند. درپی بررسی سیر تحول آرای ابن سینا درمی یابیم برانگیختگی عواطف مخاطب که از انفعالات نفس نشئت می گیرد، با ادراک معانی جزئی که از کارکردهای قوه واهمه در نفس انسانی است، ارتباط دارد. در فلسفه بوعلی، نفس دارای قوای متعددی است که هریک از آن ها با توجه به کارکرد خود در ادراک فیلم یا خلق صحنه های آن نقش دارند. یکی از قوای موثر در خلق و ادراک فیلم، قوه خیال است؛ اما به دنبال بررسی آرای شیخ الرئیس درحوزه نفس شناسی به نقش مهم قوه واهمه در ادراک فیلم پی می بریم. قوه واهمه به عنوان یکی از مهم ترین قوای نفس با کارکردهای خود همچون ادراک معنای جزئی و خطای شناختی در درک فیلم نقش آفرینی میکند؛ به گونه ای که در ادراک فیلم ازسوی تماشاگر بر دیگر قوا چیرگی دارد. در این مقاله، نقش قوه واهمه در ادرک معنای جزئی، خطای شناختی، محاکات حالات درونی و صدور حکم جزئی در نسبت با فیلم را بررسی کرده و به عنوان نمونه ای عینی، کیفیت تاثیر و نقش این قوه در ژانر وحشت و مکتب اکسپرسیونیسم را که در این ژانر به کار گرفته می شود، تبیین کرده ایم.

نادری (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعات ژانر وحشت در ادبیات و نمایش‌نامه‌های کودک و نوجوانان و تأثیر آن بر بهداشت روان کودکان» به بررسی محتوای ترسناک در ادبیات پرداخت. این پژوهش که در دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای ارائه شد، نشان داد که مواجهه زودهنگام با عناصر ترس‌آور در داستان‌ها می‌تواند باعث ایجاد ترس‌های پایدار در کودکان شود. نویسنده با تحلیل نمونه‌هایی از نمایش‌نامه‌های کودک، دریافت که استفاده نادرست از ژانر وحشت ممکن است به‌جای ایجاد هیجان سالم، منجر به اضطراب‌های غیرضروری شود. این مطالعه پیشنهاد کرد که تولیدکنندگان محتوای کودک باید به روان‌شناسی رشد و تحمل پذیری مخاطبان توجه بیشتری داشته باشند. همچنین، نتایج نشان داد که همراهی والدین در تفسیر این محتواها می‌تواند از تأثیرات منفی بکاهد.

نوروزی (۱۳۸۷) در مقاله «تأثیر داستان‌های ترسناک کودکان بر اضطراب‌ها و ترس‌های کودکانه» به بررسی نقش قصه‌های ترس‌آور در شکل‌گیری ترس‌های دوران کودکی پرداخت. این پژوهش که در ماهنامه کتاب ماه کودک و نوجوان منتشر شد، نشان داد که برخی داستان‌های به ظاهر بی‌ضرر می‌توانند باعث تشدید ترس‌های شبانه یا اضطراب جدایی در کودکان شوند. نویسنده با مطالعه موردی روی گروهی از کودکان ۶ تا ۱۲ ساله دریافت که محتوای ترسناک، به‌ویژه اگر با عناصر واقع‌گرایانه ترکیب شود، اثرات ماندگاری بر روان کودک دارد. این مقاله بر ضرورت نظارت کارشناسانه بر ادبیات کودک تأکید کرد و پیشنهاد داد که نویسندگان از به کار بردن تصاویر یا صحنه‌های بیش از حد تهدیدآمیز برای این گروه سنی خودداری کنند. همچنین، نتایج نشان داد که دختران در مقایسه با پسران واکنش‌های عاطفی شدیدتری نشان می‌دهند.

ب) پژوهش های خارجی

ورلند (۲۰۲۴) در کتاب «فیلم ترسناک: یک معرفی» به بررسی جامع ژانر وحشت و تحولات تاریخی آن پرداخته است. این اثر مروری دقیق بر زیرژانرهای مختلف از جمله اسلشرها دارد و تحلیل می‌کند که چگونه این فیلم‌ها با ترس‌های جمعی و اضطراب‌های اجتماعی در ارتباط هستند. نویسنده تأکید می‌کند که فیلم‌های ترسناک به‌ویژه برای مخاطبان جوان می‌توانند هم جذاب و هم آسیب‌زا باشند. این کتاب به‌عنوان یک منبع پایه، چارچوبی نظری برای درک تأثیرات فرهنگی و روانی ژانر وحشت ارائه می‌دهد.

سلطانا و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر فیلم‌های ترسناک بر سلامت روانی جوانان» به بررسی واکنش‌های روانی مخاطبان پرداختند. این پژوهش که در مجله جهانی بررسی ارتباطات جمعی منتشر شد، نشان داد که تماشای مکرر فیلم‌های ترسناک می‌تواند منجر به افزایش اضطراب، اختلالات خواب و حتی علائم استرس پس از سانحه در برخی افراد شود. محققان با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد روان‌شناختی دریافتند که این تأثیرات در میان نوجوانان و جوانان مشهودتر است. این مطالعه همچنین بر نقش تعدیل‌کننده عوامل فردی مانند ویژگی‌های شخصیتی تأکید کرد.

مارتین (۲۰۱۹) در مقاله مروری «چرا فیلم‌های ترسناک دوست دارید؟» به جمع‌بندی تحقیقات تجربی درباره پاسخ‌های روانی به فیلم‌های ترسناک پرداخت. این پژوهش که در مجله Frontiers in Psychology منتشر شد، نشان داد که تماشاگران به دلایل مختلفی از جمله نیاز به هیجان و تجربه کنترل‌شده ترس، جذب این ژانر می‌شوند. نویسنده توضیح می‌دهد که در حالی که برخی افراد به‌راحتی از این فیلم‌ها لذت می‌برند، دیگران ممکن است واکنش‌های منفی شدیدی نشان دهند. این مقاله بر اهمیت درک تفاوت‌های فردی در مطالعات مربوط به ژانر وحشت تأکید کرد.

کلاسن و پلاتس (۲۰۱۹) در فصل «تکامل و فیلم‌های اسلشر» به بررسی این زیرژانر از منظر روانشناسی تکاملی پرداختند. این پژوهش که در کتاب «تکامل و روایت‌های عامه‌پسند» منتشر شد، استدلال می‌کند که عناصر رایج در فیلم‌های اسلشر – مانند تعقیب و گریز و خشونت – با مکانیسم‌های بقای انسان مرتبط هستند. نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه این فیلم‌ها از ترس‌های ذاتی انسان برای ایجاد هیجان استفاده می‌کنند. این مطالعه بینش‌های جالبی درباره تأثیرات بالقوه این نوع محتوا بر مخاطبان جوان ارائه می‌دهد.

گیل (۲۰۰۲)، در مقاله «سال‌های هیولایی: نوجوانان، فیلم‌های اسلشر و خانواده» به تحلیل بازنمایی نوجوانان و دینامیک خانوادگی در فیلم‌های اسلشر پرداخت. این پژوهش که در مجله فیلم و ویدئو منتشر شد، نشان داد که این فیلم‌ها اغلب اضطراب‌های دوران نوجوانی درباره استقلال و هویت را منعکس می‌کنند. نویسنده استدلال می‌کند که اگرچه این فیلم‌ها ممکن است برای برخی نوجوانان جذاب باشند، اما می‌توانند تصاویر ناسالمی از روابط خانوادگی و اجتماعی ارائه دهند. این مقاله بر نیاز به بررسی تأثیرات بلندمدت این بازنمایی‌ها بر رشد روانی نوجوانان تأکید کرد.

۸-۱- جمع بندی پیشینه پژوهش

مطالعات پژوهش‌های داخلی و خارجی بررسی‌شده نشان می‌دهند که محتوای ترسناک در قالب فیلم‌ها، داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها تأثیرات قابل‌توجهی بر سلامت روانی کودکان و نوجوانان دارد. مطالعات داخلی مانند قربانی توسنلو و آذری(۱۴۰۴)، یاسری و همکاران (۱۴۰۴)، نادری (۱۴۰۰) و نوروزی (۱۳۸۷) بر نمایش فوبیاها در ژانر وحشت و افزایش اضطراب، ترس‌های پایدار و اختلالات خواب ناشی از مواجهه با این محتواها تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های خارجی از جمله ورلند (۲۰۲۴)، سلطانا و همکاران (۲۰۲۱) و مارتین (۲۰۱۹) به بررسی مکانیسم‌های جذب مخاطب و تفاوت‌های فردی در واکنش به ژانر وحشت پرداخته‌اند. این مطالعات به‌طور کلی بر نیاز به نظارت بر محتوای مصرفی کودکان و نوجوانان و درک بهتر تأثیرات بلندمدت این ژانر تأکید دارند. با وجود حجم قابل‌توجه تحقیقات در این حوزه، خلأهای پژوهشی متعددی مشاهده می‌شود. اولاً بسیاری از مطالعات داخلی بر ادبیات و نمایش‌نامه‌ها متمرکز بوده‌اند و بررسی تأثیر فیلم‌های اسلشر به‌ویژه بر پایه سن و جنسیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ثانیاً، اگرچه تحقیقات خارجی به تحلیل روانشناختی و تکاملی ژانر وحشت پرداخته‌اند، اما تطبیق این یافته‌ها با بافت فرهنگی و اجتماعی ایران نیازمند پژوهش‌های بومی بیشتری است. همچنین، تأثیر عوامل تعدیل‌کننده‌ای مانند همراهی والدین یا آموزش رسانه‌ای در کاهش اثرات منفی این ژانر کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر فیلم‌های اسلشر به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین زیرژانرهای وحشت، درصدد پر کردن بخشی از این خلأهای پژوهشی است. نوآوری این تحقیق در بررسی همزمان متغیرهای فردی (سن و جنسیت) و محیطی (میزان تماشا و همراهی والدین) در واکنش به محتوای اسلشرهاست. همچنین، این مطالعه با ترکیب روش‌های کمی و کیفی و استفاده از ابزارهای استاندارد روان‌سنجی، درصدد ارائه تحلیلی جامع‌تر از تأثیرات این ژانر بر مخاطبان کودک و نوجوان ایرانی است. یافته‌های این پژوهش می تواند مبنایی برای تدوین راهکارهای عملی در حوزه تربیت رسانه‌ای و سیاست‌گذاری محتوایی باشد.

۹- مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) استوار است که بر تأثیر مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز از طریق رسانه بر شکل‌گیری رفتار و هیجانات مخاطبان تأکید دارد. بر اساس این نظریه، کودکان و نوجوانان با مشاهده صحنه‌های خشونت‌بار در فیلم‌های اسلشر ممکن است این الگوها را درونی‌سازی کنند. مطالعات نشان داده‌اند که مواجهه مکرر با خشونت رسانه‌ای می‌تواند منجر به افزایش پرخاشگری، کاهش حساسیت نسبت به خشونت و ایجاد ترس‌های پایدار شود (Anderson & Bushman, 2002).

منظر روانشناسی تحولی: توانایی پردازش و درک محتوای ترسناک در کودکان و نوجوانان با توجه به مرحله رشد شناختی آنان متفاوت است. بر اساس نظریه رشد شناختی پیاژه (۱۹۵۰)، کودکان در مرحله عملیات عینی (۷-۱۱ سال) قادر به تمایز کامل بین واقعیت و خیال نیستند و ممکن است محتوای ترسناک را به عنوان تهدیدی واقعی درک کنند. این در حالی است که نوجوانان در مرحله عملیات صوری بهتر می‌توانند بین واقعیت و داستان تمایز قائل شوند(Cantor, 2004)

نظریه مدیریت ترس[1]: توضیح می‌دهد که چرا افراد به مصرف محتوای ترسناک گرایش دارند. بر اساس این نظریه، مواجهه کنترل‌شده با ترس در محیطی امن می‌تواند به افراد کمک کند تا با اضطراب‌های وجودی خود کنار بیایند. با این حال، در کودکان و نوجوانانی که هنوز مکانیسم‌های مقابلهٔ بالغانه در آنها تکامل نیافته، این مواجهه ممکن است منجر به افزایش اضطراب و ترس‌های مرضی شود(Scrivner, 2021)

دیدگاه عصب‌زیست شناسی: مشاهده صحنه‌های ترسناک باعث فعال‌شدن سیستم عصبی سمپاتیک و ترشح هورمون‌های استرس مانند کورتیزول می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند که مواجهه مکرر با این محرک‌ها می‌تواند منجر به تغییرات پایدار در ساختار و عملکرد مغز، به ویژه در مناطق مرتبط با پردازش ترس مانند آمیگدال شود.این تغییرات ممکن است در کودکان و نوجوانان که مغز آنها در حال رشد است، ماندگارتر باشد(Pichon et al., 2009)

بر اساس نظریه پرورش[2]: تماشای مکرر فیلم‌های ترسناک می‌تواند منجر به شکل‌گیری «جهان‌بینی ترسناک» در مخاطبان شود. این نظریه پیشنهاد می‌کند که مصرف کنندگان دائمی این ژانر ممکن است جهان را به عنوان مکانی خطرناک‌تر از آنچه واقعاً هست، درک کنند. این اثر در کودکان و نوجوانان که تجربه زیستی کمتری دارند، می‌تواند شدیدتر باشد (Harrison & Cantor, 1999).

نظریه تفاوت‌های فردی: توضیح می‌دهد که چرا برخی افراد جذب محتوای ترسناک می‌شوند در حالی که دیگران از آن اجتناب می‌کنند. بر اساس این نظریه، افرادی که در بعد «جستجوی حس[3]» نمره بالاتری می‌گیرند، بیشتر احتمال دارد که از فیلم‌های ترسناک لذت ببرند. با این حال، این ویژگی در کودکان و نوجوانان هنوز به طور کامل تثبیت نشده و ممکن است واکنش‌های غیرقابل‌پیش‌بینی به محتوای ترسناک نشان دهند(Aluja-Fabregat & Torrubia-Beltri, 1998)

نظریه سیستم‌های انگیزشی : در نهایت پیشنهاد می‌کند که پاسخ‌های هیجانی به محرک‌های ترسناک از طریق سه سیستم مجزا (زبان‌شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی) عمل می‌کنند. این نظریه توضیح می‌دهد که چرا برخی کودکان ممکن است از نظر کلامی ابراز ترس نکنند، اما نشانه‌های فیزیولوژیکی مانند افزایش ضربان قلب یا اختلالات خواب را تجربه کنند. این دیدگاه برای درک جامع تأثیرات فیلم‌های ترسناک بر کودکان و نوجوانان بسیار مفید است(Hubert et al., 2021)

۱۰- روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی تأثیر فیلم‌های اسلشر بر سلامت روان کودکان و نوجوانان انجام شد. جامعه آماری شامل ۲۷۰ نفر (۸۳٪ دختر و ۱۷٪ پسر) در دامنه سنی ۷ تا ۱۸ سال بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد روان‌شناختی جمع‌آوری شدند که شامل سؤالاتی درباره میزان تماشای فیلم‌های اسلشر، واکنش‌های روحی-روانی (اضطراب، ترس، اختلال خواب)، و ویژگی‌های دموگرافیک بود.

برای تحلیل داده‌ها از مدل‌های رگرسیون خطی استفاده شد. ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تأیید گردید. سپس دو مدل رگرسیونی مجزا برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل (میزان تماشای فیلم‌های اسلشر و سن مخاطب) و متغیر وابسته (مشکلات روانی) برآورد شد. ضریب تعیین (R^2) و آماره F برای سنجش برازش مدل‌ها محاسبه گردید.

1 Terror Management Theory

2 Cultivation Theory

3 sensation seeking

روایی پرسشنامه‌ها از طریق روایی محتوایی و با نظر متخصصان روانشناسی و رسانه تأیید شد. پایایی ابزار نیز با ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰,۸) سنجیده شد. برای کنترل متغیرهای مخدوشگر، تأثیر جنسیت و سطح تحصیلات نیز در تحلیل‌ها لحاظ گردید. این روش‌شناسی امکان بررسی دقیق روابط بین متغیرها و تعمیم‌پذیری نتایج را فراهم کرد.

۱۱- تحلیل آمار توصیفی

۱۱-۱-توصیف اطلاعات جمعیت شناختی

در این بخش ویژگی های جنس، سن،تحصیلات ۲۷۰ نفر نمونه آماری مورد نظر از جامعه تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول۲- توزیع فراوانی نمونه آماری براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۴۵	٪۱۷
دختر	۲۲۵	٪۸۳
کل	۲۷۰	٪۱۰۰

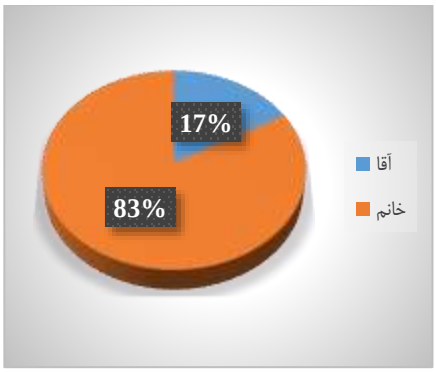

شکل۱- نمودار توزیع نسبی نمونه آماری براساس جنسیت

بر اساس جدول بالا ۱۷ درصد از افراد نمونه را پسران تشکیل می دهند. این رقم در خصوص دختر ها به ۸۳ درصد افزایش یافته است. این نتایج در نمودار دایره ای زیر خلاصه شده است:

در نمودار دایره ای بالا مشخص است که دختر های پاسخ دهنده به سوالات پرسشنامه این پژوهش بسیار بیش از تعداد پسران میباشند در ادامه به دامنه سنی پرداخته میشود:

جدول۳- توزیع سنی نمونه آماری

دامنه سنی	فراوانی	درصد
کمتر از ۱۲ ساله	۳۲	۱۱/۸
۱۲ الی ۱۳ ساله	۴۰	۱۴/۸
۱۴ تا ۱۵ سال	۷۲	۲۶/۷
۱۶ تا ۱۷ سال	۶۸	۲۵/۲
بیش از ۱۷ سال	۵۸	۲۱/۵
کل	۲۷۰	۱۰۰

چنان که در جدول بالا مشاهده می شود، دامنه سنی حدود ۲۵/۲ درصد از نمونه آمار یبین ۱۶ تا ۱۷ سال قرار دارد ، در حالی که سن ۲۶/۷ درصد آنها بین ۱۴ تا ۱۵ سال می باشند و ۱۴/۸ درصد از آنها بین ۱۲ تا ۱۳ سال می باشند . همچنین ۱۱/۸ درصد کمتر از ۱۲ سال و ۲۱/۵ درصد بالای ۱۷ سال سن دارند.در ادامه نمودار میله ای ارائه میشود:

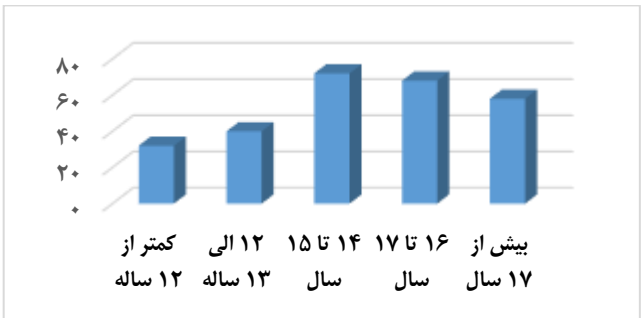

شکل۲- نمودار میله ای توزیع نسبی دامنه سنی نمونه آماری

در نمودار میله ای بالا مشخص است که درصد بالایی از پاسخ دهندگان بین ۱۴ تا ۱۵ سال سن دارند. پس از این گروه ، فراوانی گروه ۱۶ الی ۱۷ سال از بقیه بیشتر میباشد. در ادامه تحصیلات شرکت کنندگان ارائه میشود:

سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴
فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی
ISSN: 2645-4475

جدول۴- توزیع فراوانی نمونه آماری براساس سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
ابتدایی	۱۶	۵/۸
متوسطه اول	۱۸۱	۶۷/۳
متوسطه دوم	۷۳	۲۶/۹
کل	۲۷۰	۱۰۰

اطلاعات جدول بالا حاکی از آن است ۲۶/۹ درصد از نمونه آماری، دارای تحصیلات متوسطه دوم می باشند. و ۶۷/۳ درصد از نمونه مورد بررسی، دارای تحصیلات متوسطه اول هستند.در ادامه نمودار میله ای سطح تحصیلات ارائه میشود:

در نمودار میله ای بالا مشاهده میگردد که تعداد افراد مقطع متوسطه اول از بقیه بیشتر است.

شکل۳- نمودار میله ای توزیع نسبی سطح تحصیلات نمونه آماری

۱۱-۲- تحلیل توصیفی متغیرهای جامعه آماری

در این پژوهش، ۲۷۰ نفر از کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۸ ساله شرکت کردند که از نظر جنسیت، ۴۵ نفر (۱۷٪) پسر و ۲۲۵ نفر (۸۳٪) دختر بودند. این نسبت نشان می‌دهد که ترکیب نمونه از نظر جنسیت به‌طور قابل ملاحظه‌ای به نفع دختران است.

از نظر توزیع سنی، ۳۲ نفر (۱۱/۸٪) کمتر از ۱۲ سال، ۴۰ نفر (۱۴/۸٪) در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۳ سال، ۷۲ نفر (۲۶/۷٪) در دامنه ۱۴ تا ۱۵ سال، ۶۸ نفر (۲۵/۲٪) در دامنه ۱۶ تا ۱۷ سال، و ۵۸ نفر (۲۱/۵٪) بیش از ۱۷ سال سن داشتند. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ سال و کمترین مربوط به گروه سنی کمتر از ۱۲ سال است.

از نظر سطح تحصیلات، ۱۶ نفر (۵/۸٪) در مقطع ابتدایی، ۱۸۱ نفر (۶۷/۰٪) در مقطع متوسطه اول، و ۷۳ نفر (۲۷/۲٪) در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند. بیشترین سهم به مقطع متوسطه اول تعلق داشت.

۱۱-۳- سوالات مربوط به میزان تماشای فیلمهای اسلشر

جدول۵- میانگین وانحراف گویه های مربوط به میزان تماشای فیلمهای اسلشر

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
میزان تماشای فیلمهای اسلشر	۳/۲۵	۵/۰۰	۴/۲۳	۰/۳۸

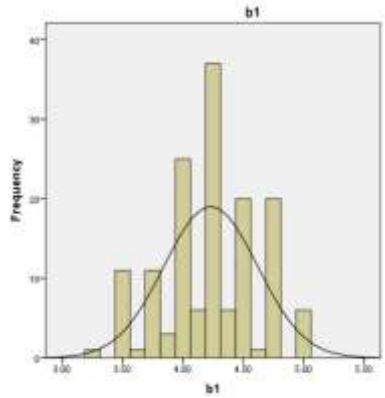

نتایج جدول بالا نشان می دهد که نمرات " میزان تماشای فیلمهای اسلشر " بین ۳/۲۵ تا ۵/۰۰ با میانگین ۴/۲۳ قرار دارد. انحراف استاندارد توزیع برابر با ۰/۳۸ برآورد شده است.

نتایج در هیستوگرام زیر نیز ارائه شده است:

در نمودار بالا توزیع آماری پاسخ های مربوط به گویه میزان تماشای فیلمهای اسلشر میباشد ارائه شده است.

خصوصیات آماری این توزیع در جدول قبل ارائه شده است:

شکل۴- نمودارهیستوگرام نمرات گویه های مربوط به میزان تماشای فیلمهای اسلشر

۱۱-۴- سوالات مربوط به سن مخاطب

جدول۶- میانگین وانحراف استاندارد سن مخاطب

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
وحدت	۳/۵	۵/۰۰	۴/۳۲	۰/۳۱

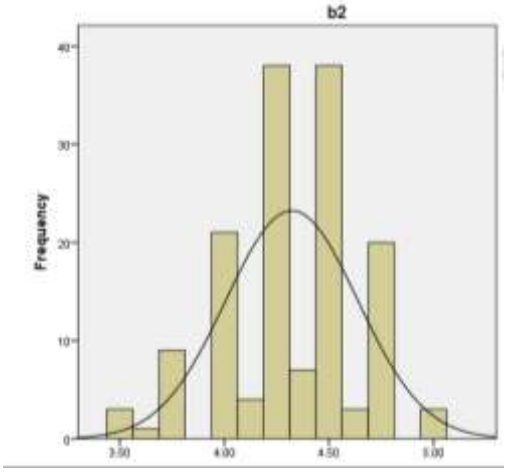

نتایج جدول بالا نشان می دهد که نمرات "سن مخاطب" بین ۳/۵ تا ۵/۰۰ با میانگین ۴/۳۲ قرار دارد. انحراف استاندارد توزیع برابر با ۰/۳۱ برآورد شده است. نتایج در هیستوگرام زیر نیز ارائه شده است:

در نمودار بالا توزیع آماری پاسخ های مربوط به گویه سن مخاطب میباشد ارائه شده است. خصوصیات آماری این توزیع در جدول قبل ارائه شده است.

شکل۵- نمودارهیستوگرام نمرات گویه سن مخاطب

۵-۱۱- سوالات مربوط به مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان

جدول۷- میانگین وانحراف استاندارد مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان	۱/۶۰	۴/۹۵	۴/۰۵	۰/۴۱

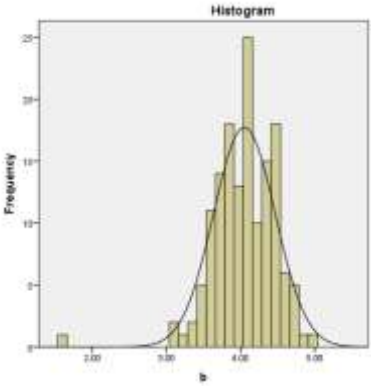

نتایج جدول بالا نشان می دهد که نمرات " مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان " بین ۱/۶۰ تا ۴/۹۵ با میانگین ۴/۰۵ قرار دارد. انحراف استاندارد توزیع برابر با ۰/۴۱ برآورد شده است. نتایج در هیستوگرام زیر نیز ارائه شده است:

شکل۶-نمودارهیستوگرام نمرات مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان

۶-۱۱- آزمون نرمال بودن اسمیرنوف

پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده‌ها، از آزمون شاپیرو-ویلک یا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می شود تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها ما فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ تست می‌کنیم. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی ۰،۰۵ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. برای آزمون نرمالیته فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H_0: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال است.

H_1: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال نیست.

در جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف خلاصه شده است:

جدول۸- نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه ها	ضریب بدست آمده	سطح معنی داری	نتیجه
میزان تماشای فیلمهای اسلشر	۰/۱۴۱	۰/۳۷۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری
سن مخاطب	۰/۱۶۰	۰/۳۱۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری
مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان	۰/۱۳۵	۰/۴۲۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه ها مورد تایید میباشد.

سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴
فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی
ISSN: 2645-4475

۷-۱۱- بررسی فرضیه های پژوهش

برای بررسی فرضیه ها مدل های رگرسیونی ذیل تخمین زده میشود:

$$Y=\alpha+\lambda_* X_1+ \varepsilon \quad (1)$$
$$Y=\alpha+\lambda_* X_2 + \varepsilon \quad (2)$$

که در جدول ذیل متغیرهای پژوهش توضیح داده شده اند:

جدول۹- متغیرهای مدل رگرسیونی

نام متغیر	نماد	نوع متغیر
میزان تماشای فیلمهای اسلشر	X_1	مستقل
سن مخاطب	X_2	مستقل
مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان	Y	وابسته

بنابراین مدل اول هدف ذیل را دنبال میکند :

- سنجش میزان تماشای فیلمهای اسلشر بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان

مدل دوم اهداف ذیل را دنبال میکند :

- سنجش سن مخاطب بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان

در جداول ذیل تخمین حداقل مربعات به ترتیب برای مدلهای رگرسیونی آورده میشود:

جدول۱۰-مدل اول

متغیر پاسخ = مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۰/۷۸	۰/۱۲۸	۶/۱۴	۰/۰۰۰
میزان تماشای فیلمهای اسلشر	۰/۷۹	۰/۰۳۲	۲۴/۶۴	۰/۰۰۰
آماره آزمون F = ۶۰۷/۵			سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
ضریب تعیین = ۰/۶۹			دوربین واتسون : ۱/۶۳	

از مدل اول نتیجه گیری میشود که (میزان تماشای فیلمهای اسلشر بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان تأثیردارد).

جدول۱۱-مدل دوم

متغیر پاسخ = مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۱/۰۲	۰/۱۰۴	۹/۸۰	۰/۰۰۰
سن مخاطب	۰/۷۳	۰/۰۲۶	۲۸/۱۶	۰/۰۰۰
آماره آزمون F = ۷۹۳/۲۵			سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
ضریب تعیین = ۰/۷۴			دوربین واتسون : ۱/۶۵	

از مدل دوم نتیجه گیری میشود که (سن مخاطب بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان تأثیر دارد).

۸-۱۱- بررسی سهم زیر شاخص های میزان تماشای فیلمهای اسلشر و تعهدی شغلی

بررسی روابط در معادلات مورد بررسی در رگرسیون، اول تاثیر میزان تماشای فیلمهای اسلشر بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان ارزیابی گردید.

جدول۱۲-تحلیل مدل اول

متغیرهای مستقل	ضریب	سطح معناداری
تاثیر میزان تماشای فیلمهای اسلشر بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان	۰/۷۹	***

***: معنی دار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد

از مدل اول نتیجه گیری شد:

- میزان تماشای فیلمهای اسلشر بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان تأثیردارد.

در رگرسیون دوم تاثیر سن مخاطب بر مسائل روحی-روانی کودکان و نوجوانان ارزیابی گردید.

جدول۱۳- نتایج مدل دوم

متغیرهای مستقل	ضریب	سطح معناداری
تاثیر سن مخاطب بر مسائل روحی–روانی کودکان و نوجوانان	۰/۷۳	***

***: معنی دار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد

از مدل دوم نتیجه گیری شد :

- سن مخاطب بر مسائل روحی–روانی کودکان و نوجوانان تأثیر دارد.

نتایج تحلیل داده‌ها به وضوح فرضیه اول پژوهش را تأیید می‌کند که بین میزان تماشای فیلم‌های اسلشر و بروز مسائل روحی–روانی در کودکان و نوجوانان رابطه مثبت وجود دارد. با ضریب رگرسیون ۰,۷۹ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱، مشخص شد که افزایش تماشای این فیلم‌ها به طور مستقیم با افزایش مشکلات روانی مانند اضطراب، ترس‌های شبانه و اختلالات خواب مرتبط است. این یافته با مطالعات پیشین مانند پژوهش یاسری و همکاران (۱۴۰۴) و مارتین (۲۰۱۹) همخوانی دارد که نشان داده بودند مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر سلامت روان داشته باشد. همچنین، نتایج نشان داد که این رابطه در دختران (۸۳ درصد نمونه) شدیدتر از پسران است که احتمالاً به دلیل حساسیت عاطفی بیشتر دختران در این سنین می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش نیز مبنی بر اینکه نوجوانان (۱۳–۱۸ سال) در مقایسه با کودکان (۷–۱۲ سال) واکنش‌های روحی–روانی شدیدتری نشان می‌دهند، مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که گروه سنی ۱۴–۱۵ سال (۲۶,۷ درصد نمونه) و ۱۶–۱۷ سال (۲۵,۲ درصد نمونه) بیشترین تأثیرپذیری را از محتوای ترسناک تجربه می‌کنند. این یافته را می‌توان با نظریه رشد شناختی پیاژه تبیین کرد که نشان می‌دهد نوجوانان با وجود توانایی بیشتر در تمایز واقعیت از خیال، به دلیل بحران‌های هویتی این دوره، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر محتوای خشونت‌آمیز دارند. این نتیجه با مطالعات گیل (۲۰۰۲) و کلاسن و پلاتس (۲۰۱۹) همسو است که بر تأثیرات منفی این فیلم‌ها بر شکل‌گیری هویت نوجوانان تأکید کرده بودند.

۹-۱۱- نتایج تحلیل رگرسیونی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، دو مدل رگرسیون خطی ساده با روش حداقل مربعات معمولی (OLS)برآورد شد. پیش از تحلیل، پیش‌فرض‌های رگرسیون شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، نبود همخطی چندگانه، و همگنی واریانس بررسی و تأیید شدند.

در مدل اول: تأثیر میزان تماشای فیلم‌های اسلشر بر مشکلات روانی کودکان و نوجوانان ارزیابی شد. ضریب رگرسیون استانداردشده برابر با ۰,۷۹ و در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار بود (.($p<0.001$ضریب تعیین ((R^2معادل ۰,۶۹ نشان می‌دهد که ۶۹٪ تغییرات مشکلات روانی توسط میزان تماشای این نوع فیلم‌ها تبیین می‌شود. آماره) F ۶۰۷٫۵، ($p<0.001$حاکی از برازش مناسب مدل است. مقدار آماره دوربین–واتسون (۱٫۶۳) نیز نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی در جملات خطا است.

در مدل دوم: نقش سن مخاطب بر مشکلات روانی بررسی شد. ضریب رگرسیون استانداردشده برابر با ۰,۷۳ و در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار بود (.($p<0.001$ضریب تعیین ((R^2برابر با ۰,۷۴ بیانگر قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل است. آماره F)۷۹۳٫۲۵، ($p<0.001$و آماره دوربین–واتسون (۱٫۶۵) نیز تأییدکننده کیفیت برازش مدل می‌باشد.

۱۲- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین میزان تماشای فیلم‌های اسلشر و بروز مسائل روحی–روانی در کودکان و نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به ضریب رگرسیون ۰,۷۹ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱، می‌توان گفت هرچه میزان تماشای این فیلم‌ها افزایش یابد، مشکلات روانی مانند اضطراب، ترس و اختلالات خواب نیز به طور قابل توجهی بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات پیشین مانند مطالعات یاسری و همکاران (۱۴۰۴) و سلطانا و همکاران (۲۰۲۱)، همسو است که نشان داده بودند محتوای ترسناک می‌تواند تأثیرات منفی بر سلامت روان داشته باشد. یافته دیگر پژوهش حاکی از آن است که سن مخاطب نیز بر شدت تأثیرات منفی فیلم‌های اسلشر مؤثر است. با ضریب رگرسیون ۰,۷۳ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱، مشخص شد نوجوانان در مقایسه با کودکان واکنش‌های روانی شدیدتری به این محتواها نشان می‌دهند. این نتیجه با نظریه رشد شناختی پیاژه (۱۹۵۰) همخوانی دارد که تأکید می‌کود توانایی پردازش و درک محتوای خشونت‌آمیز در سنین مختلف متفاوت است. همچنین این یافته تأییدکننده مطالعات گیل (۲۰۰۲) است که نشان داده بود نوجوانان به دلیل بحران هویت و حساسیت‌های این دوره، بیشتر تحت تأثیر محتوای رسانه‌ای قرار می‌گیرند. با توجه به ترکیب نمونه تحقیق که ۸۳ درصد آن را دختران تشکیل می دادند، می‌توان نتیجه گرفت که دختران در مقایسه با پسران بیشتر در معرض تأثیرات منفی این فیلم‌ها قرار دارند. این یافته با نتایج

نوروزی (۱۳۸۷) همسو است که نشان داده بود دختران واکنش‌های عاطفی شدیدتری به محتوای ترسناک نشان می‌دهند. همچنین توزیع سنی نمونه نشان داد که گروه سنی ۱۴–۱۵ سال بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این محتواها دارند که احتمالاً به دلیل ویژگی‌های خاص روانی–اجتماعی این دوره سنی است.

پیشنهاد می‌شود والدین و مربیان آموزشی نسبت به نظارت بر محتوای رسانه‌ای مصرفی کودکان و نوجوانان حساسیت بیشتری نشان دهند، به ویژه برای گروه سنی نوجوان و جنس مؤنث که یافته‌ها نشان داد بیشتر در معرض خطر هستند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازندگان محتوا و سیاست‌گذاران فرهنگی با در نظر گرفتن این یافته‌ها، سیستم رده‌بندی سنی دقیق‌تری برای فیلم‌های ژانر وحشت طراحی کنند. آموزش مهارت‌های رسانه‌ای به کودکان و نوجوانان نیز می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی این محتواها کمک کند. برای تحقیقات آتی، پیشنهاد می‌شود مطالعاتی با نمونه‌های متوازن از نظر جنسیت و گروه‌های سنی مختلف انجام شود تا بتوان نتایج را با دقت بیشتری تعمیم داد. همچنین بررسی نقش تعدیل‌کننده متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی، سطح حمایت خانوادگی و میزان استفاده از رسانه‌های دیگر می‌تواند به درک جامع‌تری از این پدیده بینجامد. انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات بلندمدت تماشای فیلم‌های اسلشر نیز می‌تواند به تکمیل یافته‌های این پژوهش کمک کند.

منابع

- ابوالحسنی، کیانا و صفورا، محمدعلی و ندائی، امیرحسن(۱۴۰۳)،بررسی جهان بعد از مرگ در سینمای ژانر وحشت از نظر ادیان، فصلنامه فلسفه دین، دوره: ۲۱، شماره: ۴.
- ابراهیمیان،زهرا(۱۴۰۲) مطالعه ژانر سینمایی وحشت فولکلور با تحلیل دو فیلم «پوست» از ایران و «ساحره» از سینمای آمریکا و انگلستان، اولین کنفرانس ملی مطالعات میان رشته ای در ادبیات و هنرهای کاربردی، موسیقی، نمایش و سینما.
- ترابی، نفیسه و اسدی، محمدرضا(۱۴۰۱)،جایگاه قوه واهمه در ادراک فیلم با نگاهی به ژانر وحشت و مکتب هنری اکسپرسیونیسم براساس آرای ابن سینا، دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره: ۲۶، شماره: ۶۸.
- رحمانی، فرزام و مهدوی، سید هادی و عشقی، سوده(۱۴۰۳)،نقش فتوژنی در ایجاد سوسپانس و سوپرایز در انیمیشنهای ژانر وحشت: تحلیل ابعاد بصری، اکسیدنت و ایونت های روانشناختی،دومین کنفرانس بین المللی مطالعات هنر، فرهنگ و رسانه.
- قربانی توسنلو،امیرعلی،آذری،غلامرضا(۱۴۰۴) تحلیل بازنمایی فوبیاهای بنیادین در تاریخ بشر: بررسی روانشناختی نمادها در مجموعه فیلم های احضار در ژانر وحشت، مجله اختلالات جنسی و روانشناختی، دوره: ۳، شماره: ۲
- نادری، پگاه،۱۴۰۰،مطالعات ژانر وحشت در ادبیات و نمایش نامه های کودک و نوجوانان و تاثیر آن بر بهداشت روان کودکان،دومین کنفرانس بین المللی مطالعات میان رشته ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی،
- نوروزی، مسیح (۱۳۸۷)، تاثیر داستان های ترسناک کودکان بر اضطراب ها و ترس های کودکانه، ماهنامه کتاب ماه کودک و نوجوان، سال یازدهم شماره ۶ (پیاپی ۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷).
- یاسری، مهدیه و دهقان، یاسر و هوشنگ نژاد، محمود و عمرانی، عسل،۱۴۰۴،بررسی تاثیر فیلم های ژانر ترسناک بر سلامت جسمانی و روانی افراد، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره: ۸، شماره: ۸۸
- Clasen, M., & Platts, T. K. (2019). Evolution and slasher films. In Evolution and popular narrative (pp. 23-42). Brill.
- Gill, P. (2002). The monstrous years: Teens, slasher films, and the family. Journal of Film and Video, 54(4), 16-30.
- Martin, G. N. (2019). (Why) do you like scary movies? A review of the empirical research on psychological responses to horror films. Frontiers in psychology, 10, 2298.
- Sultana, I., Ali, A., & Iftikhar, I. (2021). Effects of horror movies on psychological health of youth. Global Mass Communication Review, 6(1), 1-11.
- Worland, R. (2024). The horror film: An introduction. John Wiley & Sons.

ضمیمه

مدل اول

Model Summary[b]

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics					Durbin-Watson
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change	
1	.833[a]	.694	.693	.30678	.694	607.555	1	268	.000	1.637

a. Predictors: (Constant), x1

b. Dependent Variable: y

ANOVA[a]

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	57.149	1	57.149	607.555	.000[b]
	Residual	25.209	268	.094		
	Total	82.358	269			

a. Dependent Variable: y

b. Predictors: (Constant), x1

Coefficients[a]

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	.799	.126		6.141	.000
	x1	.798	.032	.833	24.649	.000

a. Dependent Variable: y

مدل دوم

Model Summary[b]

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics					Durbin-Watson
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change	
1	.865[a]	.747	.747	.27858	.747	793.258	1	268	.000	1.657

a. Predictors: (Constant), x2

b. Dependent Variable: y

ANOVA[a]

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	61.560	1	61.560	793.258	.000[b]
	Residual	20.798	268	.078		
	Total	82.358	269			

a. Dependent Variable: y

b. Predictors: (Constant), x2

Coefficients[a]

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	1.025	.104		9.840	.000
	x2	.726	.026	.865	28.165	.000

a. Dependent Variable: y

سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴
فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی
ISSN: 2645-4475